

ماهنامه CyclicalWaves



شماره دهم - پاییز ۱۴۰۴

در این شماره می‌خوانیم

- « بررسی اهرم‌های چین و آمریکا در جنگ تجاری
- « طلا در برابر بیت کوین: نبرد مدرن علیه تورم
- « از آشفتگی تا تمرکز: نقش قانون پارتو در ژورنال نویسی
- « بررسی باز خرید سهام (BUY BACK)
- « و ...



صاحب امتیاز: cyclicalwaves

هیات تحریریه:

علی شریف آزاد

امین طاهر زاده

دکتر پیام نیک کام

(مدرس بازارهای مالی)

علی فریادرس

محمد جواد آقازاده

امیرحسین آقاپور

(تحلیل گر و معامله گر فارکس)

صفحه آرا: سعیده عباسی



نشانی: کرج، عظیمیه، بلوار اقا قیا، جنب

میدان بعثت، ساختمان آرنیا، طبقه ۵

واحد ۱۶

نشانی اینترنتی: www.cycfx.com

پست الکترونیک: Info@cycfx.com

واتساپ و تلگرام: ۰۹۹۲۸۰۰۶۰۰۲

ماهنامه فارکس Cyclicalwaves

در دنیای مالی و اقتصادی امروز، تحلیل و پیش‌بینی روندهای بازار به یکی از چالش‌های اساسی برای سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران تبدیل شده است. بازارهای مالی به‌ویژه بازار فارکس، با نوسانات شدید و غیرقابل پیش‌بینی خود، نیازمند رویکردهای تحلیلی عمیق و دقیق هستند. در این راستا، ماهنامه فارکسی Cyclicalwaves به‌عنوان یک منبع معتبر و تخصصی، تلاش دارد تا با ارائه تحلیل‌های جامع و مبتنی بر داده‌های واقعی، به خوانندگان خود در درک بهتر و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر کمک کند.

Cyclicalwaves به بررسی الگوهای چرخه‌ای در بازار فارکس می‌پردازد. این الگوها نه تنها به شناسایی روندهای گذشته کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به پیش‌بینی حرکات آینده نیز بپردازند. در این ماهنامه، ما به بررسی اصول تحلیل تکنیکال و بنیادی، روانشناسی بازار، و تأثیرات اقتصادی بر نوسانات ارزها خواهیم پرداخت. هدف ما این است که با ارائه مطالب علمی و عملی، درک عمیق‌تری از بازار فارکس برای خوانندگان فراهم کنیم.



فهرست

۴

بررسی اهرم های چین و آمریکا در جنگ تجاری

۶

درس تلخی که فلسفه مالی جیمی دیمون را شکل داد

۷

محمای تورم در فدرال رزرو

۹



طلا در برابر بیت کوین: نبرد مدرن علیه تورم

اما در عصر دیجیتال، یک رقیب جدید برای طلا پیدا شده است: بیت کوین. با افزایش قیمت ها و ضعف شدن ارزها، بحثی دوباره شعله ور می شود - آیا طلا به دفاع از ثروت ادامه می دهد یا بیت کوین تاج قهرمانی ستیز با تورم را دزدیده است؟

برآوردهای جدید صندوق بین المللی پول و چالش پیش روی طلا

آخرین چشم انداز اقتصاد جهانی صندوق بین المللی پول که روز سه شنبه ۱۴ اکتبر منتشر شد، تصویری از اقتصاد جهانی را ترسیم می کند که ثابت می کند مثبت تراز حد انتظار است.

۱۱



۱۳



از آشفتگی تا تمرکز: نقش قانون پارتو در ژورنال نویسی

ژورنال بدون هدف مشخص مانند قطب‌نمایی بدون جهت است. تعیین هدف در ژورنال‌نویسی به معامله‌گر کمک می‌کند تا از ثبت صرف داده‌ها فراتر رود و وارد مرحله‌ی بهبود عملکرد شخصی و سیستم معاملاتی خود شود.

با افتخار، شماره دهم مجله تخصصی ژئوپلیتیک و فارکس CYCFX را به شما خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم. این شماره با تحلیل‌های دقیق و جامع به بررسی مهم‌ترین رویدادهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی جهان می‌پردازد که تأثیر مستقیم بر بازارهای مالی و ارزی دارند

در جهانی که تصمیمات سیاسی و اقتصادی می‌توانند در یک لحظه بازارهای جهانی را دگرگون کنند، درک عمیق‌تر این عوامل کلیدی امری ضروری است. این شماره با هدف ارائه بینش‌های کاربردی و استراتژیک، شما را دعوت می‌کند تا با نگاهی دقیق‌تر، به تأثیرات این تحولات بر آینده سرمایه‌گذاری و تجارت خود بپردازید.

امیدواریم مطالب این شماره بتواند ابزار ارزشمندی برای تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی شما باشد. پس با ما همراه شوید و به دنیای ژئوپلیتیک و فارکس از زاویه‌ای تازه نگاه کنید.



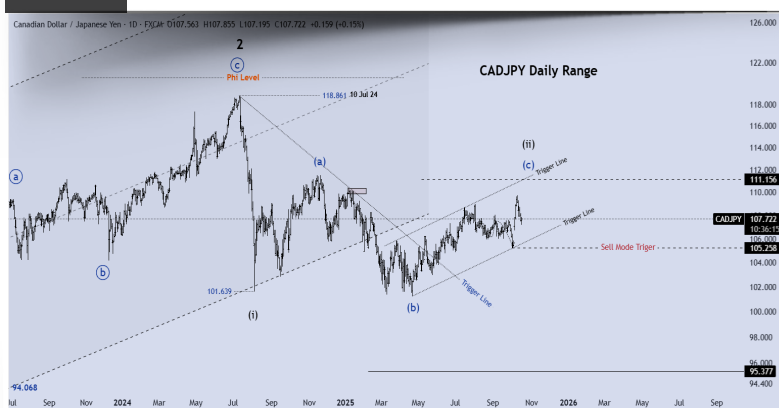
بررسی باز خرید سهام (BUY BACK) در بین شرکتهای S&P۵۰۰ مزایا و معایب آن

خرید مجدد یا باز خرید سهام توسط شرکت یکی از روش‌های مهمی است که شرکت‌ها برای بازگرداندن ارزش به سهام‌داران از آن استفاده می‌کنند.

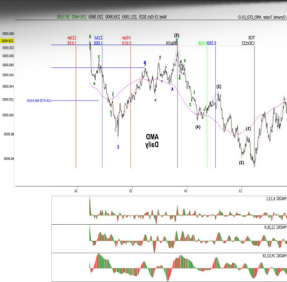
۱۶

بخش تحلیلی

انس جهانی طلا در یک رالی دیوانه وار به مسیر خود ادامه می‌دهد. در حال حاضر هیچ نشانه‌ای از برگشت و یا حتی ضعف در روند به چشم نمی‌خورد



XAUUSD هفتگی
EURUSD روزانه
Cocoa هفتگی
AMD روزانه



۲۰

برخلاف تصور رایج، دلار آمریکا به‌عنوان «ارز ذخیره» جهانی، نه در خزانه‌های بانک‌های مرکزی، بلکه به دلیل نقش کلیدی‌اش در تجارت و امور مالی بین‌المللی، جایگاه خود را حفظ کرده است.





بررسی اهرم های چین و آمریکا در جنگ تجاری

تنش های تجاری جاری بین ایالات متحده و چین بسیار فراتر از اختلافات تعرفه ای متعارف تکامل یافته است. آنچه زمانی نبرد بر سر واردات ارزان بود، به یک مبارزه پیچیده برای کنترل گلوگاه های استراتژیک در فناوری جهانی و زنجیره های تامین مواد اولیه تبدیل شده است. رویارویی ۲ قدرت برتر اقتصادی و نظامی جهان یعنی چین و آمریکا اکنون حول دو محور حیاتی قدرت می چرخد: انحصار تقریباً کامل چین در عناصر خاکی کمیاب و تسلط به رهبری ایالات متحده در نیمه هادی های پیشرفته و طراحی تکنولوژیکی. هر یک از طرفین از نوعی اهرم استفاده می کند که قلب صنعت مدرن و امنیت ملی طرف مقابل را هدف قرار می دهد.

اهرم چین: عناصر خاکی کمیاب

موقعیت چین در بازار جهانی زمین کمیاب بی نظیر است. تقریباً ۶۰ تا ۷۰ درصد از تولید جهانی و نزدیک به ۹۰ درصد از ظرفیت پالایش و فرآوری عناصر خاکی کمیاب را کنترل می کند که شامل چالش برانگیزترین مرحله پالایش و فرآوری فنی و دارای پیامدهای زیست محیطی زنجیره تامین این عناصر می شود. این مواد از جمله نئودیمیم، دیسپروزیوم و تربیم برای تولید آهنرباهای با کارایی بالا مورد استفاده در وسایل نقلیه الکتریکی،

توربین های بادی، موشک های هدایت شونده دقیق، سیستم های راداری و اجزای جت جنگنده ضروری هستند. به همین دلیل، انحصار چین به ویژه در بخش های دفاعی و صنعتی استراتژیک که برایشان جایگزین های کوتاه مدت کمی وجود دارد، قابل توجه است. حتی زمانی که سنگ معدن خاکی کمیاب در جاهای دیگر مانند استرالیا یا ایالات متحده استخراج می شود، اغلب نیاز به فرآوری در تاسیسات صنعتی چینی دارد. این به پکن شکل ملموس و فوری اهرم می دهد که می تواند زنجیره های تامین دفاعی کلیدی را در سراسر جهان مختل یا محدود کند و تنگنمایی ایجاد کند که در سیستم های امنیتی و انرژی غرب به شدت آسیب رسان خواهد بود.



اهرم آمریکا: فنآوری، نوآوری و مالکیت معنوی

در عین حال، ایالات متحده نوع متفاوتی از قدرت را فرماندهی می کند - قدرتی که ریشه در مواد فیزیکی ندارد، بلکه در فنآوری، نوآوری و مالکیت معنوی ریشه دارد. واشنگتن در کنار متحدان خود - ژاپن، کره جنوبی، تایوان و هلند - به طور موثری بر اکوسیستم جهانی نیمه هادی ها تسلط دارد. ایالات متحده همچنین در طراحی تراشه (NVIDIA، AMD، Qualcomm، Apple) پیشتاز است، در حالی که تایوان (TSMC) و کره جنوبی (سامسونگ) پیشرفته ترین ویفرها را تولید می کنند. ژاپن اجزای کلیدی مقاوم در برابر نور و مواد ضروری را فراهم می کند و شرکت ASML هلند تولید انحصاری دستگاه های لیتوگرافی اشعه ماوراء بنفش شدید (EUV) جهان را در اختیار دارد. این ائتلاف با هم یک اتحاد تکنولوژیکی انحصاری را تشکیل می دهد که جایگزین کردن آن برای چین بسیار دشوار است. از طریق کنترل صادرات و تحریم ها، ایالات متحده به طور فزاینده ای دسترسی چین به فناوری تراشه های پیشرفته را محدود کرده است و به طور موثر توانایی پکن را برای تولید یا دستیابی به نیمه هادی های پیشرفته - ستون فقرات هوش مصنوعی مدرن، محاسبات، و تولید پیشرفته - محدود کرده است.

مقایسه کیفیت اهرم های دوطرف

تضاد بین این دو شکل اهرم قابل توجه است. سلطه چین فیزیکی، فوری و صنعتی است - تسلط بر ورودی های خام برای دفاع حیاتی و فناوری های سبز. اما برتری آمریکا بیشتر تکنولوژیکی، استراتژیک و آینده نگر است - فرماندهی بر موتورهای دیجیتالی و شناختی که نوآوری، اتوماسیون و هوش مصنوعی را هدایت می کنند. انحصار عناصر خاکی کمیاب بر سخت افزار قدرت تأثیر می گذارد، در حالی که تسلط نیمه هادی نرم افزار پیشرفت را شکل می دهد. در کوتاه مدت، اهرم چین می تواند باعث اختلالات شدید شود: محدودیت های ناگهانی صادرات در خاک های کمیاب می تواند تولید موشک، مونتاژ خودروهای الکتریکی یا تولید توربین بادی را فلج کند. اما در دراز مدت، کنترل ایالات متحده و متحدانش بر فناوری تراشه، محدودیت بسیار بیشتری را بر جاه طلبی های چین برای بالا بردن زنجیره ارزش صنعتی و نظامی ایجاد می کند.

خلاصه ای از توازن قدرت			
بُعد	اهرم ایالات متحده	اهرم چین	قدرت نسبی
ماهیت کنترل	فناورانه / مالکیت فکری	منابع / صنعتی	—
پتانسیل آسیب کوتاه مدت	متوسط	بالا (اختلال در عناصر نادر خاکی)	چین قوی تر
مزیت استراتژیک بلندمدت	بالا (وابستگی فناورانه)	متوسط	آمریکا قوی تر
اتحادها و نفوذ جهانی	گسترده (ژاپن، اتحادیه اروپا، تایوان، کره جنوبی)	محدودتر	آمریکا قوی تر
سهولت جایگزینی	دشوار اما ممکن (تنوع در طراحی و ساخت)	بسیار سخت (انحصار پالایش)	چین سخت تر قابل جایگزینی است

در جدول روبرو، مقایسه ای از کیفیت اهرم های هر یک از طرفین به تصویر کشیده شده است:

نتیجه گیری

در نهایت، درگیری تجاری فقط در مورد اقتصاد نیست، بلکه در مورد حاکمیت فناوری و سلسله مراتب ژئوپلیتیکی است. هر یک از طرفین در تلاش است تا خودکفایی را در منطقه ضعف خود تضمین کند: ایالات متحده در حال بازسازی ظرفیت پالایش عناصر خاکی کمیاب داخلی است، در حالی که چین برای دستیابی به استقلال نیمه هادی ها در حال رقابت است. این مسابقه دوگانه - بین مواد و فناوری - جنگ سرد مدرن را در تجارت تعریف می کند. هر کسی که برنده شود، معماری اقتصاد جهانی قرن بیست و یکم را به دست خواهد گرفت.



درس تلخی که فلسفه مالی جیمی دیمون را شکل داد

در سن ۱۴ سالگی جیمی دیمون، که اکنون مدیرعامل جی پی مورگان چیس است، درسی آموخت که رویکرد او را به امور مالی تعریف می کند. در سال ۱۹۷۲، او اولین سهام خود را خریداری کرد، اما در عرض ۲ سال شاهد سقوط ۴۵ درصدی بازار بود. این سقوط برای دیمون چیزی بیش از یک ضرر مالی بود. این یک درس واضح در نوسانات بازارها بود. دیمون ناپدید شدن لیموزین های وال استریت و تعطیلی رستوران ها را تماشا کرد، که نمادی آشکار از سرعت نابودی رفاه در میان معامله گران وال استریت بود. این تجربه یک باور اصلی را در دیمون تقویت کرد: بازارهای مالی چرخه ای هستند و اغلب با اهرم و ریسک کنترل نشده به مرزهای افراط و تفریط سوق داده می شوند.

دیمون جوان با هدایت پدرش، یک کارگزار بورس، شروع به دیدن الگوهایی کرد که دیگران از دست دادند. او این ایده را درونی کرد که "تاریخ تکرار می شود"، عبارتی که اغلب برای برجسته کردن بحران های مالی تکراری، از سقوط سال ۱۹۲۹ گرفته تا حباب دات کام و فروپاشی مالی سال ۲۰۰۸ تکرار می کند. او متوجه شد که این رویدادها نامعمول و تصادفی نیستند، بلکه بخشی از چرخه ای هستند که در آن اعتماد به نفس بیش از حد و ریسک پذیری بیش از حد منجر به برگشتهای اجتناب ناپذیر می شود. مربیگری پدرش به او آموخت که این خطرات را پیش بینی کند و بر آمادگی اش برای خودداری از خوش بینی کورکورانه تأکید کند.

این درس اولیه بستر حرفه دیمون شد. او به عنوان مدیرعامل جی پی مورگان چیس، مدیریت ریسک و ثبات بلندمدت را بر دستاوردهای کوتاه مدت اولویت داده است. رویکرد منضبط او در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ مشهود بود، زمانی که جی پی مورگان به لطف ترازنامه محافظه کارانه و شیوه های محتاطانه وام دهی خود قوی تر از بسیاری از رقبای ظاهر شد. توانایی دیمون در هدایت بانک در دوران آشفتگی نشان دهنده خرد به دست آمده او از سقوط بازار در دوران نوجوانی اش است: همیشه برای موارد غیرمنتظره آماده شوید.



امروز، دیمون همچنان در مورد خطرات پنهان، مانند پتانسیل افزایش نرخ بهره ایالات متحده برای مختل کردن بازارها هشدار می دهد. فلسفه او که از یک باخت دردناک در ۱۴ سالگی متولد شده است، بر اهمیت انعطاف پذیری و آینده نگری تأکید می کند. با تمرکز بر یک حرفه درازمدت، دیمون نه تنها به عنوان یکی از باهوش ترین رهبران وال استریت شهرت پیدا کرده است، بلکه ثبات پایدار جی پی مورگان را در دنیایی غیرقابل پیش بینی تضمین کرده است.

داستان او یادآور این است که عمیق ترین درس ها اغلب زود به دست می آیند و دهه ها موفقیت را از طریق هوشیاری و نظم شکل می دهند.

معمای تورم در فدرال رزرو



آخرین صورتجلسه فدرال رزرو که روز چهارشنبه منتشر شد، یک تناقض سیاستی را نشان می دهد که پیشتر در کانال تلگرامی ویژه مان نیز اشاره کرده بودیم: نگرانی در مورد افزایش تورم همراه با حمایت یکپارچه از کاهش نرخ بهره! با کاهش ۵۰ واحدی دیگر که انتظار می رود تا پایان سال - و احتمالاً کاهش بیشتر در سال ۲۰۲۶ - اعتبار فدرال رزرو بار دیگر در حال آزمایش است.

صورتجلسه کمیته بازار آزاد فدرال در ۱۶ تا ۱۷ سپتامبر بسیار گیج کننده است. علیرغم ابراز نگرانی مداوم در مورد افزایش تورم، هر ۱۲ عضو رای دهنده موافقت کردند که نرخ بهره را کاهش دهند و جالب اینکه یکی از آنها یعنی استفان میران خواهان کاهش ۵۰ واحدی نرخ بهره شد! جالب اینکه برخی از اعضای فدرال رزرو از آن زمان ناراحتی خود را در مورد تورم ابراز کرده اند، اما همچنان متعهد به تسهیل بیشتر هم هستند.

در این خصوص، دو توضیح به ذهن می رسد. یکی این است که سیاست گذاران فدرال رزرو ریشه های پولی شرایط دشوار کنونی را اشتباه درک می کنند: اینکه فشارهای تورمی که اکنون آنها را نگران می کند، ناشی از سیاست های بیش از حد انبساطی آنها است که به پاسخ به کووید-۱۹ باز می گردد. دیگری اما سیاسی تر است: با پایان دوره ریاست جروم پاول به عنوان رئیس در ماه مه آینده، چندین عضو FOMC ممکن است در حال مانور دادن برای جلب رضایت رئیس جمهور ترامپ باشند، به این امید که خود را به عنوان جانشین ترجیحی معرفی کنند.



بیانیه فرماندار کریستوفر والر - یکی از نامزدهای بالقوه ریاست فدرال رزرو - نمونه ای از این موضع آشفته است. او چند روز پیش گفت که از ادامه کاهش نرخ بهره حمایت می کند، اما "ما باید در مورد آن محتاط باشیم". او نگران افزایش تورم است اما می خواهد نرخ ها را بیشتر کاهش دهد. به عبارت دیگر، او هم خدا را می خواهد و هم خرما را. اگر فرض کنیم که این سیاست گذاران واقع نظریه اقتصادی خود را درک می کنند - یا توسط اقتصاددانان فدرال رزرو حمایت می شوند - آنگاه انگیزه های سیاسی به احتمال زیاد زیربنای استدلال آنها را تشکیل می دهد.

اما خطر موجود صرفاً آکادمیک نیست. دلالتی سیاسی از طریق سیاست پولی می تواند اعتماد عمومی و اعتبار نهادی را از بین ببرد که دو ستون ضروری برای ثبات اقتصادی بلندمدت هستند. جرومی پاول بارها بر نگرانی خود در مورد فرسایش قدرت خرید خانوارهای با درآمد متوسط و پایین به دلیل تورم تاکید کرده است. با این حال، با کاهش نرخ ها، فدرال رزرو قیمتهای سهام را افزایش می دهد و شکاف ثروت را گسترش می دهد یعنی دقیقاً برعکس هدف اعلام شده او.

نرخ بهره تا سال ۲۰۲۶، پس زمینه تورمی تشدید خواهد شد. این محیط معمولاً فشار نزولی بر دلار و فشار صعودی بر طلا و بازدهی خزانه داری بلندمدت وارد می کند که ترکیبی نگران کننده در آستانه انتخابات میان دوره ای مجلس آمریکا می باشد.

در چنین شرایطی، سرمایه گذاران باید نسبت به این احتمال که مداخلات کوتاه-مدت فدرال رزرو می تواند بذری ثباتی بلندمدت را بکارد، هوشیار باشند. الگوی اخیر - تضعیف دلار و افزایش قیمت طلا - نشان می دهد که بازارها شروع به از دست دادن اعتماد به عزم فدرال رزرو برای مبارزه با تورم کرده اند.

فدرال رزرو ادعا می کند که بر اساس داده ها هدایت می شود، اما حتی در غیاب داده های رسمی پس از تعطیلی دولت فدرال به اظهارات **Dovish** ادامه می دهد. در عوض، شواهد به طور فزاینده ای به سیاست به عنوان انگیزه اصلی تصمیم گیری اشاره می کند. هنگامی که اعتبار به خطر افتاد، بازگرداندن آن مستلزم یک تغییر سیاست دردناک است، همانطور که در طول رکود شدید در اوایل دهه ۱۹۸۰ و با سیاست سخت گیرانه پل والکر روی داد.

این چیزی است که هیچ بانک مرکزی، حداقل در طول یک دوره انتخابات، نمی خواهد با آن روبرو شود.



پاول همچنین قول داده است که از اشتباهات سیاست "توقف و حرکت" دهه ۱۹۷۰ که تورم را تثبیت کرد، اجتناب کند. متأسفانه، اشتباهات اخیر سیاست ها همان الگو را منعکس می کند: فدرال رزرو تداوم تورم در سال های ۲۰۲۰-۲۰۲۱ را دست کم گرفت، سپس با وحشت بیش از حد دست به افزایش نرخ بهره زد. نتیجه قابل پیش بینی است، تورم هنوز بالاتر از هدف است و روند صعودی آن دارد.

اما دونالد ترامپ هم دیروز تهدید کرد که در تلافی محدودیت های جدید چین بر صادرات مواد معدنی کمیاب، تعرفه ۱۰۰ درصدی اضافی بر صادرات چین اعمال خواهد کرد. انتظار داشته باشید که این امر بر قیمت ماشین آلات و تجهیزات الکتریکی و همچنین اقلام اساسی مانند مبلمان و پوشاک تأثیر صعودی بگذارد.

با این وضعیت، آیا **FOMC** همچنان انتظار دارد که نرخ سیاست را در ۲۹ اکتبر دوباره کاهش دهد؟ اگر، همانطور که بازارها انتظار دارند، فدرال رزرو نرخ وجوه فدرال را تا پایان سال ۵۰ واحد پایه دیگر کاهش دهد و با در نظر گرفتن کاهش بیشتر



طلا در برابر بیت کوین

نبرد مدرن علیه تورم

طلا نیز کمیاب است - اما نه به همان شیوه. هر ساله معادن جدید به ذخایر جهانی اضافه می شوند. کره زمین هنوز طلای بیشتری را در خود جای داده است و منتظر استخراج شدن است. از سوی دیگر، عرضه بیت کوین مطلق بوده و هرگز از حد مجاز خود فراتر نخواهد رفت. در عصری که بانک های مرکزی اقتصادها را با پول جدید سیراب می کنند، این قابل پیش بینی بودن عرضه نهایی کل بیتکوین انقلابی به نظر می رسد.

طلا

جذابیت جاودانه طلا نیازی به تعریف و تمجید و بازاریابی ندارد. در سراسر تمدن ها مورد اعتماد بوده است - از مقبره های مصر گرفته تا خزانه های بانک مدرن. طلا زنگ نمی زند، ناپدید نمی شود و به برق وابسته نیست. شما می توانید آن را نگه دارید، وزن کنید و اعتماد کنید که بیشتر از هر امپراتوری دوام خواهد آورد. برای قرن ها، ثروت را از طریق جنگ ها، سقوط ها و فروپاشی ها محافظت کرده است.

اما طلا محدودیت هایی دارد. بازده تولید نمی کند. رشد نمی کند و نگهداری آن هزینه و ریسک دارد. از دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰، قیمت طلا به سختی حرکت کرد در حالی که تورم پس انداز را از بین می برد.



تورم برای ثروت شهروندان کشورهای تورم زده همچون یک دزد است. در کیف پول شما مخفیانه وارد می شود، ساکت و بی امان و قدرت خرید را در هنگام خوابتان می دزدد: خورد و خوراک هزینه بیشتری پیدا می کند، اجاره بها افزایش می یابد و قیمت خدمات هم جهش پیدا می کند. دنیا مدام می چرخد، اما قدرت خرید چک حقوق شما کمتر و کمتر می شود. برای نسل ها، مردم به یک پناهگاه جاودانه روی آوردند - طلا. این فلز نماد ماندگاری در دنیای عدم اطمینان بود. اما در عصر دیجیتال، یک رقیب جدید برای طلا پیدا شده است: بیت کوین. با افزایش قیمت ها و ضعیف شدن ارزها، بحثی دوباره شعله ور می شود - آیا طلا به دفاع از ثروت ادامه می دهد یا بیت کوین تاج قهرمانی ستیز با تورم را دزدیده است؟ در این نوشتار، به بررسی این موضوع می پردازیم.

بیت کوین

اکنون قیمت هر بیت کوین به بالای ۱۰۰ هزار دلار برای هر عدد رسیده است. برای دارایی ای که بیش از یک دهه پیش از صفر شروع شد، این یک صعود شگفت انگیز است. برای حامیان آن، این اثبات چیزی بیش از حدس و گمان است - این مسئله اثبات نوع جدیدی از پوشش ریسک است. قدرت بیت کوین در ریاضیات نهفته است، نه دولت ها. عرضه آن برای همیشه به ۲۱ میلیون سکه محدود شده است. بدون ماشین چاپی که در اختیار یک بانک مرکزی یا دولت خاص باشد. هیچ مرجع مرکزی در مورد سرنوشت بیت کوین تصمیم نمی گیرد. این کمبود عرضه در کد سیستم بیت کوین نوشته شده است و به آن جذابیتی می دهد که ارزهای سنتی با چاپ بی پایان خود نمی توانند مطابقت داشته باشند.



مسیر بی ثبات بیت کوین

به یاد داشته باشید که بیت کوین به معنای سنتی پناهگاه امنی نبوده و بسیار پرنوسان است - مانند یک موشک بالا می رود و بدون هشدار سقوط می کند. در سال ۲۰۱۸، بیش از ۸۰ درصد از ارزش خود را از دست داد. در سال ۲۰۲۲، دوباره به نصف کاهش یافت. با این حال، هر فروپاشی با ریکاوری همراه بود و هر کفی بالاتر از کف قبل. شیب منحنی بلندمدت بیت کوین هنوز به سمت بالا است. برای باورمندان صبور کریپتو، نوسانات شدید بیت کوین به سادگی هزینه رشد سنگینی است که بیت کوین تجربه کرده است.

سنت در مقابل فناوری

قدرت طلا در تاریخ و ایمان نهفته است. ملت ها آن را نگه می دارند، ادیان آن را تجلیل می کنند و مردم آن را به عنوان عشق و موقعیت می پوشند. قدرت بیت کوین اما در نوآوری نهفته است، یک شبکه فسادناپذیر که قوانینی را اجرا می کند که هیچ حاکمی نمی تواند تغییر دهد. این اولین دارایی در تاریخ با کمبود عرضه مطلق است، چیزی که حتی طلا نیز نمی تواند ادعا کند.

انتخاب

پس کدام برنده است - فلز یا ریاضیات؟ پاسخ بستگی به سرمایه گذار دارد.

طلا آرامش خاطر و ثبات را ارائه می دهد. بیت کوین پتانسیل انفجاری اما نوسانات دردناک را ارائه می دهد. بسیاری اکنون هر دو را در اختیار دارند: طلا برای میراث گذشته، بیت کوین برای توشه آینده. تورم از بین نخواهد رفت، به فرسایش ارزش پول ادامه خواهد داد. تنها سوال واقعی این است که چگونه مبارزه می کنید. با فلزی که بر گذشته حکومت می کرد، یا کد دیجیتالی که ممکن است بر آنچه در راه است حاکم باشد؟

برآوردهای جدید صندوق بین المللی پول و چالش پیش روی طلا

آخرین چشم انداز اقتصاد جهانی صندوق بین المللی پول که روز سه شنبه ۱۴ اکتبر منتشر شد، تصویری از اقتصاد جهانی را ترسیم می کند که ثابت می کند مثبت تر از حد انتظار است. صندوق بین المللی پول رشد جهانی را برای سال ۲۰۲۵ از ۳,۰ درصد در ژوئیه به ۳,۲ درصد افزایش داد و در سوی مقابل، پیش بینی تورم خود را به ۴,۲ درصد کاهش داد که نشان می دهد بدترین فشارهای تورمی در حال محو شدن است.

عوامل متعددی به این ارتقاء دامن زدند: تنش های تجاری بین ایالات متحده و چین، در حالی که در حال جوشیدن است، کمتر از آنچه تصور می شد آسیب دیده است؛ زنجیره های تامین به سرعت سازگار شده اند؛ محرک های مالی در اروپا و چین از تقاضا حمایت کرده است؛ و افزایش سرمایه گذاری مبتنی بر هوش مصنوعی بهره وری را افزایش داده است. اکنون پیش بینی می شود که ایالات متحده در سال ۲۰۲۵ - ۲,۰ درصد رشد کند، در حالی که منطقه یورو به ۱,۲ درصد افزایش می یابد که هر دو نسبتا بالاتر از برآوردهای قبلی هستند.

باید گفت که تجدید نظر نزولی تورم نشان دهنده یک تغییر بزرگ است. صندوق بین المللی پول انتظار دارد با تثبیت بازارهای انرژی و برطرف شدن تنگناهای عرضه جهانی، فشارهای قیمت ها در اقتصادهای پیشرفته سریعتر کاهش یابد. این ترکیب رشد قوی تر و کاهش تورم - یا به عبارتی سناریوی "فرود نرم" - نشان دهنده خوش بینانه ترین برآورد این نهاد معتبر مالی در ۲ سال گذشته است.

در مقایسه با گزارش آوریل صندوق بین المللی پول، زمانی که رشد ۲,۸ درصدی پیش بینی شده بود و هشدارهای تورم بر روایت گزارش IMF غالب بود، گزارش اخیر به طور قابل توجهی خوش بینانه تر است. لحن گزارش صندوق از حالت تدافعی به اعتماد به نفس محتاطانه تغییر کرده است. البته خطرات همچنان باقی است - به ویژه تشدید مجدد جنگ تعرفه های ایالات متحده و چین - اما در حال حاضر، انعطاف پذیری بر شکنندگی غلبه دارد.

عاملی منفی برای طلا؟!

برای سرمایه گذاران، این بازنگری پیامدهای مهمی دارد. از نظر تاریخی، طلا بر اساس ترس از دشواریهای اقتصادی رشد می کند: تورم بالا، رشد ضعیف یا شوک های ژئوپلیتیکی. هنگامی که تورم سرد می شود و نرخ بهره واقعی افزایش می یابد، جذابیت طلا به عنوان پوشش تورم کاهش می یابد. با توجه به اینکه صندوق بین المللی پول اکنون تورم پایین تر و رشد پایدارتر را پیش بینی می کند، بازارها ممکن است قیمت گذاری را در یک پس زمینه پولی کمتر انبساطی نسبت به گذشته اعمال کنند، که کمتر از دارایی های بدون بازده مانند طلا حمایت می کند.

به طور خلاصه، اقتصاد جهانی نسبت به چند ماه پیش متعادل تر به نظر می رسد. بازنگری های دوگانه صندوق بین المللی پول - رشد اقتصادی صعودی و تورم نزولی - نشان می دهد که موجی که باعث افزایش اخیر طلا شده است می تواند شروع به کاهش کند.

تا زمانی که تنش های تجاری دوباره شعله ور نشود یا تورم غافلگیر نکند، طلا ممکن است برای حفظ شتاب رشد با دشواری های اساسی روبرو بشود.

تقاضای سرمایه گذاران باهوش در حال حاضر، ممکن است از فلز زردرنگ به فرصت های جدید در دیگر بازارها تغییر کند.



- SMART Goals
- Pareto Principle (80/20)



به قلم: علی فریادرس



از آشفته‌گی تا تمرکز نقش قانون پارکو در ژورنال نویسی

در قسمت قبل در مورد اهمیت ژورنال احساسات صحبت کردیم ولی تازه کارمان با ژورنال نویسی آغاز شده است چراکه ژورنال نویسی فراتر از ثبت وقایع روزانه یا کپی کردن اطلاعات معاملات است؛ در واقع ژورنال نویسی یک ابزار فعال برای خودآگاهی، تحلیل عمیق و رشد هدفمند است. اما بدون داشتن یک هدف مشخص، ژورنال نویسی به سادگی به مجموعه‌ای از یادداشت‌های پراکنده و آرشیوی از شکست‌ها و پیروزی‌های گذشته تبدیل می‌شود که هیچ نقشه راهی برای آینده ارائه نمی‌دهد و به مرور زمان به دلیل عدم کاربرد حرفه‌ای، ممکن است کنار گذاشته شود.

ژورنال نویسی معاملاتی یکی از مؤثرترین ابزارهای رشد ذهنی و حرفه‌ای برای هر معامله‌گر است. این کار نه تنها به ثبت نتایج معاملات کمک می‌کند، بلکه به شناخت درست فرآیند تصمیم‌گیری، احساسات، اشتباهات و الگوهای رفتاری نیز کمک بسزایی می‌کند. با این حال، ژورنال بدون هدف مشخص مانند قطب‌نمایی بدون جهت است. تعیین هدف در ژورنال نویسی به معامله‌گر کمک می‌کند تا از ثبت صرف داده‌ها فراتر رود و وارد مرحله‌ی بهبود عملکرد شخصی و سیستم معاملاتی خود شود. قبل از اینکه به "چگونه" بپردازیم، باید "چرا" را به درستی درک کنیم. ژورنال نویسی هدفمند، ستون فقرات انضباط و پیشرفت در معامله‌گری است.

چگونه هدف مؤثر برای ژورنال معاملاتی تعیین کنیم؟

بیایید با یک مثال ساده و کاربردی شروع کنیم:

هدف: سنجش سطح اضطراب

نگرش اول: می‌خواهم سطح اضطراب خود را در زمان ورود به معاملات بررسی کنم.

نگرش دوم:

در طول دو هفته آینده،

سطح اضطراب خود را در هنگام

ورود به و خروج از معاملات یادداشت

می‌کنم و به آن نمره‌ای از ۰ تا ۵ می‌دهم.

بنظر شما کدام نگرش درست است؟

دقیقا نگرش شما در هدف گذاری نیز خیلی مهم است

و همیشه به خاطر داشته باشید که یک هدف خوب باید

مشخص (Specific)، قابل اندازه‌گیری (Measurable)،

واقع‌بینانه (Realistic) و زمان‌دار (Time-bound) باشد.

ولی تنها داشتن نگرش درست ما را در انتخاب هدف به ما کمک

نمی‌کند، چرا در ممکن است در تله انبوهی از اهداف گیر کنیم

و به نتیجه نرسیم. اینجاست که تمرکز بر اهداف اهمیت بسزایی

پیدا می‌کند.

تمرکز بر یک یا دو هدف در یک دوره معاملاتی

یکی از مهم‌ترین اصول در ژورنال نویسی مؤثر این است که در هر

دوره‌ی معاملاتی تنها بر یک یا دو هدف مشخص تمرکز کنیم نه

چند هدف، چراکه وقتی تمرکز ما بین چند هدف تقسیم می‌شود،

انرژی و دقت ما نیز به هم اندازه پراکنده شده و احتمال اینکه

بتوانیم همه اهداف را به صورت کامل دنبال و به صورت عمیق

بررسی کنیم به شدت کاهش می‌یابد.

اگر در حال حاضر نیز ژورنال دارید و در هدف‌گذاری خود سردرگم هستید، قانون پارتو یا همان قاعده‌ی ۲۰/۸۰ در این زمینه به‌خوبی معنا پیدا می‌کند. بر اساس این قانون، ۸۰ درصد نتایج از ۲۰ درصد عوامل به‌وجود می‌آیند. در معامله‌گری نیز معمولاً بخش کوچکی از الگوهای رفتاری یا تصمیم‌های ما، بیشترین تأثیر را بر نتایج مالی و روانی دارد. وقتی ژورنال معاملاتی را مرور کنیم، متوجه می‌شویم که اغلب ضررها یا خطاهای تکرارشونده، از چند علت محدود ناشی می‌شوند؛ مثلاً ورودهای احساسی، نادیده گرفتن پلن معامله‌گری یا عجله در بستن معاملات سودده یا همان سطح اضطراب بالا. بنابراین، به‌جای تلاش برای اصلاح تمام جنبه‌ها، کافی است بر آن یک یا دو عامل اصلی تمرکز کنیم که بیشترین اثر را بر عملکرد کلی دارند و این شیوه‌ی متمرکز، باعث شکل‌گیری تغییرات واقعی و پایدار می‌شود.

تمرکز بر ۲۰ درصد کلیدی همان چیزی است که قانون پارتو توصیه می‌کند و ژورنال‌نویسی آن را به شکلی عملی و قابل‌اندازه‌گیری ممکن می‌سازد. با این کار در پایان هر دوره معاملاتی، معامله‌گر می‌تواند با تحلیل داده‌های ژورنال خود، شایع‌ترین اشتباه یا عامل مؤثر بر احساسات و تصمیم‌گیری خود را شناسایی کند و در دوره‌ی بعدی صرفاً روی همان بخش تمرکز کند. برای مثال، اگر متوجه شود که علت عمده زیان‌ها، ترس از بازگشت قیمت بوده، هدف دوره‌ی بعد می‌تواند بررسی و سنجش احساس ترس در شرایط نوسانی باشد. البته با تفاوت که این بار شما می‌دانید صرف انتخاب "بررسی و سنجش احساس ترس" به عنوان هدف، هدف درست یا بهتر بگوییم، هدف تأثیرگذاری نیست و باید مطابق آنچه باشد که بالاتر در مورد آن با جزئیات صحبت کردم.

در نهایت، باید درک کنیم که ژورنال‌نویسی یک ابزار منفعل برای بایگانی گذشته نیست؛ بلکه یک تمرین فعال، آگاهانه و رو به جلو برای مهندسی آینده معاملاتی شماست. این ابزار تنها زمانی کار می‌کند که با "هدف" هدایت شود. تمرکز بر یک یا دو هدف در هر دوره، به همراه نگاه پارتویی، به معامله‌گر کمک می‌کند تا از میان انبوه رفتارها و احساسات خود، آن بخش کوچکی را شناسایی کند که بیشترین بازده را در مسیر پیشرفت دارد. این همان نقطه‌ای است که معامله‌گر از تکرار صرف اشتباهات عبور کرده و وارد مسیر یادگیری هدفمند و آگاهانه می‌شود، مسیری که هر قدم آن نتیجه‌ی متمرکز، نظم ذهنی و بینش درونی است.





بررسی باز خرید سهام (BUY BACK) در بین شرکت های S&P۵۰۰ مزایا و معایب آن

خرید مجدد یا باز خرید سهام توسط شرکت یکی از روش های مهمی است که شرکت ها برای بازگرداندن ارزش به سهام داران از آن استفاده می کنند. با توجه به رشد فوق العاده بازخرید سهام که معمولاً سیگنال مثبت برای بازار محسوب می شود در این مقاله به بررسی و توضیح این پدیده و همینطور اثرات آن بر مارکت خواهیم پرداخت .

تعریف Buy back

Buy back یعنی شرکت، بخشی از سهام خود را از بازار آزاد یا سهام داران موجود بازخرید می کند. به عبارت ساده تر، شرکت به جای پرداخت سود نقدی (Dividend)، تصمیم می گیرد از نقدینگی خود برای خرید سهام خودش استفاده کند.

مزایا و معایب buy back:

مزایا:

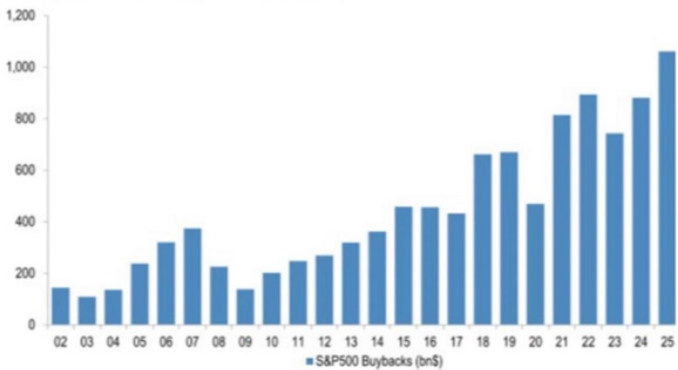
افزایش ارزش سهام در کوتاه مدت
تقویت اعتماد سرمایه گذاران
افزایش بازده سهام داران بدون مالیات

معایب:

کاهش ذخایر نقدی شرکت
ممکن است برای پنهان کردن رشد ضعیف EPS واقعی استفاده شود
در زمان نادرست (مثلاً وقتی سهم گران است) می تواند زیان بار باشد.

S&P 500 executed buybacks are now > \$1 trillion YTD

Figure 2: S&P500 executed Buybacks



تحلیل نمودار:

این نمودار نشان می دهد که بازخرید سهام (buy back) در بین شرکت های S&P ۵۰۰ به سطح بی سابقه ای رسیده و در سال ۲۰۲۵ (با برآورد کل سال بر اساس روند نیمه اول) بیش از ۱ تریلیون دلار است.

نکات کلیدی نمودار:

۱. رشد بلندمدت:

از سال ۲۰۰۲ تا امروز، بازخریدها روندی صعودی و تقریباً پیوسته داشته اند (به جز بحران های مالی مثل ۲۰۰۸ و ۲۰۲۰).

۲. سطوح بی سابقه:

- ۲۰۰۷ (پیش از بحران مالی) حدود ۳۵۰ میلیارد دلار.
- ۲۰۱۸-۲۰۱۹ (دوران کاهش مالیات ترامپ) حدود ۶۰۰-۷۰۰ میلیارد دلار.
- ۲۰۲۲ به بعد: عبور از ۸۰۰ میلیارد دلار.
- ۲۰۲۵: بیش از ۱.۱ تریلیون دلار (رکورد تاریخی).

۳. چرخه های اقتصادی و بازخرید:

- بعد از بحران ها (۲۰۰۸ و کووید ۲۰۲۰) شرکت ها مدتی بازخرید را کاهش دادند.
- اما در دوران رشد نقدینگی و سودهای قوی (مثلاً ۲۰۱۷-۲۰۱۹ و ۲۰۲۱-۲۰۲۵) موج بازخرید شدت گرفت

تحلیل اثرات

۱. حمایت از قیمت سهام:

بازخريد سهام عرضه‌ی شناور بازار را کاهش می‌دهد و عملاً تقاضای مصنوعی ایجاد می‌کند، که یکی از محرک‌های رشد S&P ۵۰۰ در سال‌های اخیر بوده است.

۲. کیفیت سود (EPS):

با کاهش تعداد سهام در گردش، سود به ازای هر سهم (EPS) حتی بدون رشد واقعی درآمد بالا می‌رود. این می‌تواند به‌طور مصنوعی نسبت P/E را جذاب‌تر کند.

۳. تمرکز در تعداد کمی شرکت:

بیشتر این بازخریدها مربوط به شرکت‌های مگاکیپ (Big Tech مثل Apple، Microsoft، Meta) است. یعنی بخش کوچکی از S&P ۵۰۰ بخش بزرگی از buy back را انجام می‌دهد.

۴. ریسک‌ها:

- فشارهای سیاسی: احتمال محدودیت یا مالیات بر بازخریدها (دموکرات‌ها بارها پیشنهاد داده‌اند).
- بدهی شرکتی: بخشی از بازخریدها با استقراض انجام می‌شود، که در محیط نرخ بهره بالا می‌تواند ریسک‌زا باشد.
- کاهش سرمایه‌گذاری مولد: منابعی که می‌توانست صرف R&D یا CapEx شود، به خرید سهام اختصاص یافته است.

جمع‌بندی

- سال ۲۰۲۵ از نظر حجم بازخريد یک رکورد تاریخی در S&P ۵۰۰ است.

- این موضوع یکی از دلایل اصلی قدرت بازار سهام آمریکا در برابر فشار نرخ بهره بالا و ریسک‌های رکودی است.
- اما در عین حال، پایداری این روند وابسته به سودآوری شرکت‌ها و شرایط نقدینگی است؛ اگر سودها کاهش یابد یا دولت فشار قانونی بگذارد، buy back می‌تواند سریع افت کند و به ریسک بازار بدل شود

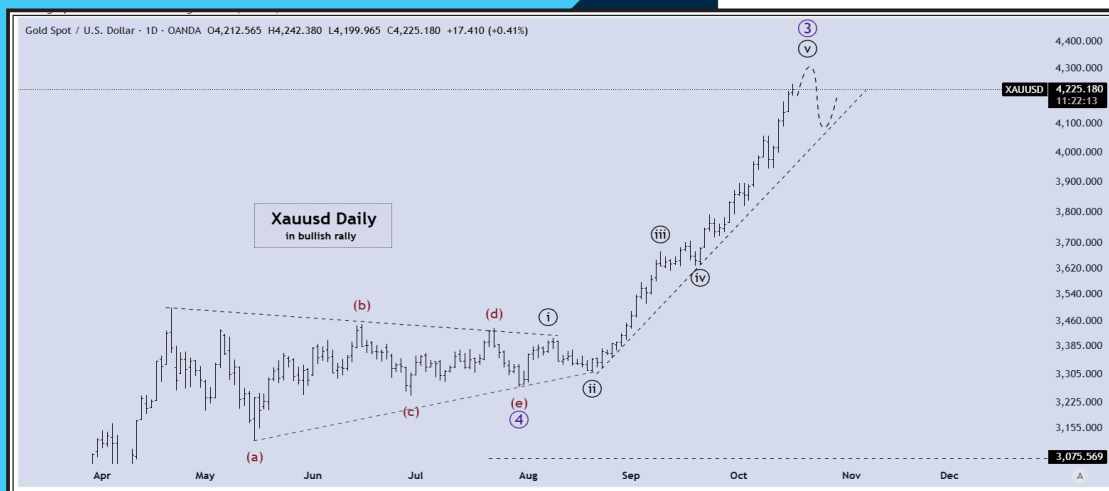
BUY BACK

در ۲۰۰۷، شرکت‌ها بازخريد سنگینی انجام دادند اما بازار کمی مثبت حرکت کرد. بازخريد بالا در آن سال همزمان با نهایت رونق قبل از بحران مالی دیده شد.

- در ۲۰۱۸، علی‌رغم اینکه شرکت‌ها رکورد بازخريد زدند، بازار سالی دشوار داشت و بازده منفی بود. این نشان می‌دهد بازخريد لزوماً تضمینی برای عملکرد مثبت بازار نیست.

- سال ۲۰۲۲ یکی از سال‌های بد بازار بود — بازخریدها احتمالاً کاهش داشته‌اند یا حداقل تأثیرشان نتوانست مانع افت بازار شود.

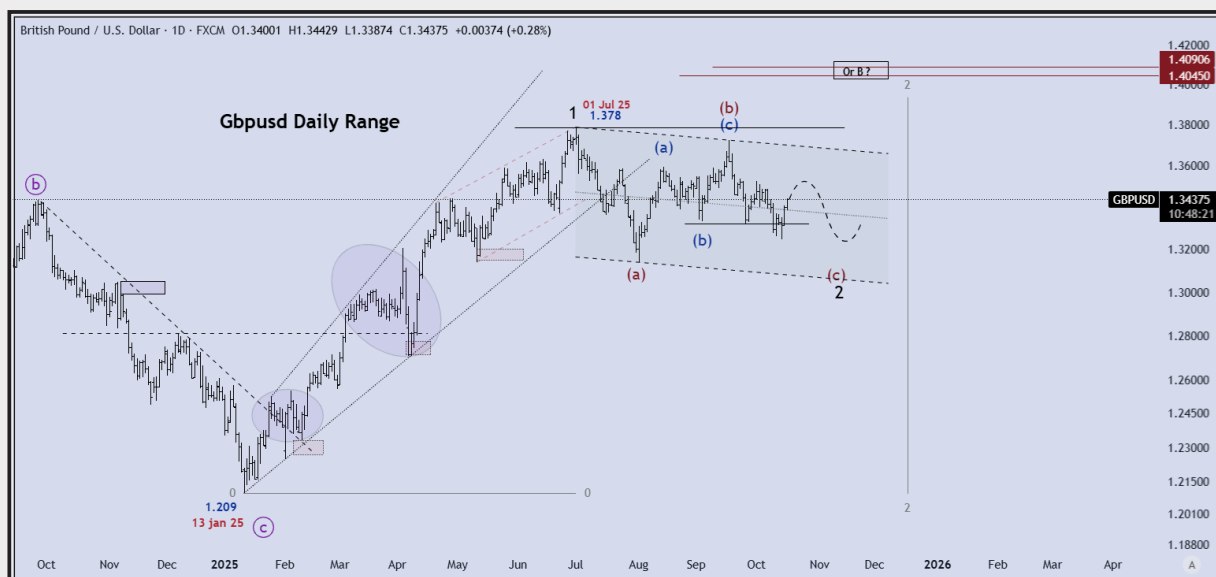
- در ۲۰۲۵، بازخریدها به سطحی که در نمودار مشاهده کردید رسیده‌اند (بیش از ۱ تریلیون دلار). عملکرد فعلی بازار نیز مثبت است، که نشان می‌دهد این سیاست در شرایط کنونی ممکن است با تأثیر حمایتی همراه باشد.



انس جهانی طلا در یک رالی دیوانه وار به مسیر خود ادامه میدهد در ادامه مسیر صعودی طلا، این فلز محبوب توانست سقف های تاریخی جدیدی را از خود در محدوده ۴۳۴۰ به ثبت برساند در حال حاضر هیچ نشانه ای از برگشت و یا حتی ضعف در روند به چشم نمیخورد اما باید توجه داشت که این صعود میتواند آخرین گام از شاخه فعلی موج ۳ باشد که به شکل اکستند ظاهر شده بنابراین بیش از آنکه در این حوالی به فکر خرید باشیم باید به فکر نقطه بهینه سیو سود این گام بود. گام اصلاحی پیش رو گامی عمیق و زمانبر خواهد بود که طلا را آماده سقف بعدی میکند.



نقره نیز همانند طلا در مسیر صعودی خود ادامه میدهد همچنان نشانه ای از چرخش یا ضعف روند وجود ندارد ولی توجه داشته باشید در محدوده ۵۵,۳ یک محدوده کلاستر و قدرتمند وجود دارد که پتانسیل تکمیل این شاخه صعودی در آن محدوده خواهد بود. تکمیل این گام در قالب موج ۵ از ۳ خواهد بود که پس از آن اصلاح قیمتی نقره را ناگزیر میسازد.



دو فرضیه برای کیبل مطرح است

فرضیه اول تکمیل بودن موج B از اصلاح بزرگتر ماست که در آن صورت درون موج C بزرگتر قرار داریم و قیمت باید زیر سقف ۱,۳۷۲ به مسیر نزولی ادامه دهد.

فرضیه دوم و کم احتمال تر تکمیل نبودن شاخه B خواهد بود.

در آن صورت قیمت پتانسیل رشد تا حوالی ۱,۴۰۶ را خواهد داشت تا در آن محدوده شاهد تکمیل شاخه B باشیم و پس از آن درون موج C قرار بگیریم.

در مجموع مادامی که قیمت سقف ۱,۳۷۲ را حفظ کرده مسیر نزولی را با هدف کف کانال دنبال خواهیم کرد.



یورو به دلار کانادا درون یک شاخه صعودی قرار گرفته که فرم همگرا و وِج به خود گرفته

انتظار می‌رود قیمت در حال طی کردن مراحل پایانی این شاخه صعودی در قالب موج ۵ قرار داشته باشد

هنوز تاییدیه ای مبنی بر تکمیل این شاخه صادر نشده

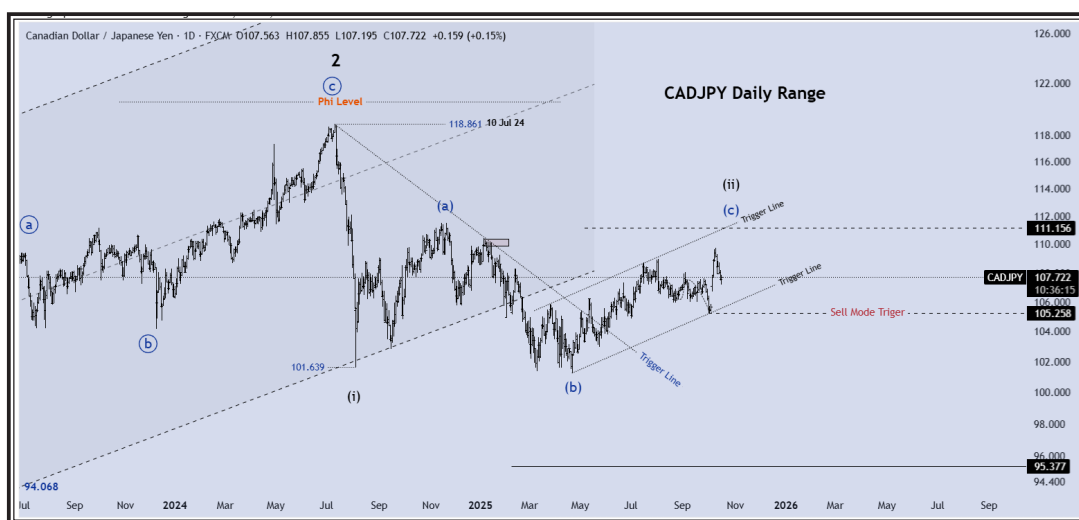
در صورت تکمیل این موج قیمت پتانسیل رشیدن به حوالی ۱,۵۸ را خواهد داشت.



در اوزی شاهد واکنش قیمت به باکس مدنظر بودیم و قیمت وارد اصلاح شد.

در حال حاضر دو محدوده برای ما حائز اهمیت هست برای ادامه مسیر ، محدوده اول ۰,۶۷۰ هست که تا زمانی که قیمت زیر این محدوده قرار داشته باشد نزولی خواهد بود.

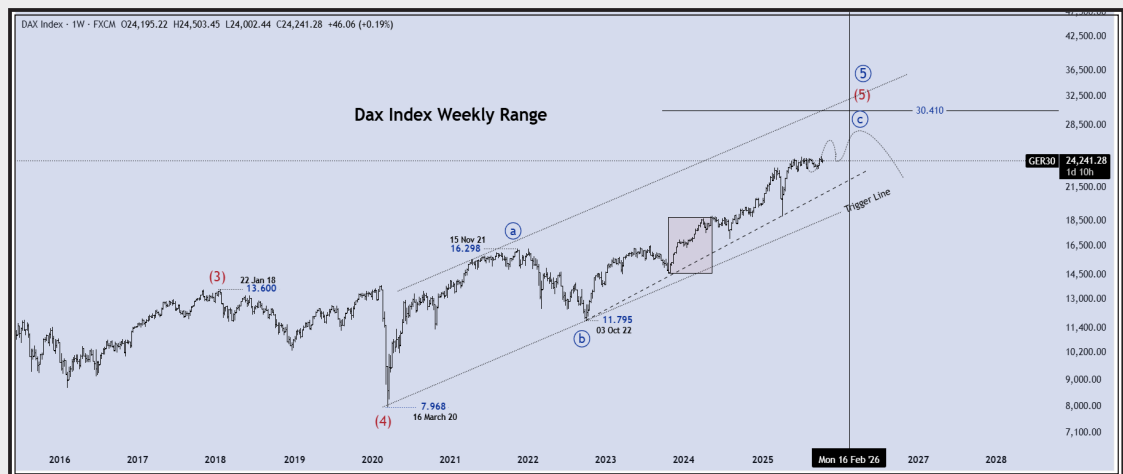
و محدوده دوم ۰,۶۴۱ خواهد بود که در صورت شکست این محدوده به پایین مسیر نزولی هموار تر خواهد بود.



در دلار کانادا به این ژاپن تریگر نزولی که به دنبال آن بودیم صادر نشد و شاهد ثبت مینور جدیدی از این کراس در محدوده ۱۰۹,۷ بودیم.

در حال حاضر مادامی که قیمت محدوده ۱۰۵,۲ را به پایین نشکند مسیر ما صعودی خواهد بود و تارگت ۱۱۱,۱ را هدف خواهیم داشت.

به محض شکست ۱۰۵,۲ به پایین تریگر مسیر نزولی ما تایید خواهد شد و موج C ما تکمیل و قیمت به سمت اهداف ۱۰۳ سپس ۱۰۱ واحد حرکت خواهد کرد.



شاخص دکس آلمان در حال طی کردن اصلاح خود در قالب زمان است
عمده حرکت شاخص دکس در یک توالی رفت و برگشتی و ساید به چشم میخورد
این موضوع نشان دهنده میل اصلاح به شکل زمانی خواهد بود

مسیر صعودی همچنان ادامه دارد و شاخص دکس پتانسیل ایجاد سقف های جدید پس از تکمیل اصلاح را خواهد داشت.



با وجود کندل های ضعیف و همپوشان ، پوند به بین ژاپن به خوبی روند صعودی خود را حفظ کرده
به نظر میرسد در مراحل پایانی تکمیل موج C از B بزرگتر باشیم.
در صورت تداوم این روند محتمل ترین محدوده برای واکنش خوب قیمتی محدوده ۲۰۴,۴ خواهد بود.

در غیر این صورت با تریگر شکست کانال کوتاه مدت و محدوده استاتیک ۱۹۵ به پایین وارد شاخه بزرگ نزولی بعدی خواهیم شد.



XAUUSD هفتگی

اونس جهانی طلا در موج ۵ سبز رنگ خود به سر می برد، از سمتی لازم به ذکر است گام هیجانی این لگ مصرف شده است و درواقع قیمت در حال یافتن مسیر می باشد، در نظر بگیرد گزاره ی فوق به هیچ عنوان به منزله ی مجاز بودن فروش اونس نمی باشد، بلکه در هفته های آتی صرفا پیشنهاد می شود از معامله گری بروی این نماد محبوب بپرهیزید.



XAUUSD روزانه

تحلیل های پیشین ما از اونس متواتراً به تارگت های صعودی خود رسیده اند، درحال حاضر دست نگاه داشتن از هرگونه معامله خرید و فروش ناشی از هیجان بازار پیشنهاد تحلیل گری ما می باشد، در نظر بگیر حتی در صورت ادامه روند پر شتاب صعود، اونس نیاز من صرف موج ۴ در تایم روزانه می باشد، درواقع اگر خریدار قطعی طلا می باشید، سعی بر تخصیص سرمایه خود در نواحی تشکیل موج ۴ بفرمایید. نکته: تحلیل های فوق برای طلای داخل کشور نیز صدق می کنند.





XAGUSD هفتگی

چندین ماه پیش و در نشرهای قبل همچنین تحلیل اساتید حاضر در مجموعه مبنی بر خرید نقره در قیمت‌های ۲۵ دلاری بوده است، از اینرو معامله‌گران همراه با مجموعه سود بسیار چشم‌انگیز از این فلز کسب کرده‌اند.

در حال حاضر تحلیل‌های متنوعی از

نقره ارائه می‌شود، اما اینجانب باتوجه به همگرایی طلا و نقره در گام‌های حرکتی و احتمال اصلاح‌های پرشتاب در اونس طلا، ریسک‌های حوالی نقره را نمی‌پذیرم؛ از اینرو ورود به فاز معامله‌گری شکارچی در مواجهه با نقره نیز پیشنهاد می‌شود، صرفاً مشاهده‌گر خواهیم بود.

XAGUSD روزانه



موج ۵ از ۵ از ۱۵؟!

تمامی تارگت‌های نقره محقق شده‌اند و از منظر تکنیکال توجیحی برای ادامه‌ی صعودهای قدرتمند وجود ندارد، نکته حائز اهمیت شتاب ریزش‌های آتی در صورت پایان روند صعودی می‌باشد، درواقع اگر خریدار نقره می‌باشد حتماً از رویکردهای هجینگ استفاده بفرمایید و در حوالی قیمتی حال حاضر روند مدیریت حجم اهمیت دو چندانی پیدا می‌کند.

USDخ هفتگی

طبق انتظار وایبریشن صعودی مدنظر ما در شاخص شکل گرفت، در حال حاضر انرژی لازم برای شروع یک گام صعودی قدرتمند در شاخص دیده نمی‌شود.

باتوجه به اعتقاد ما، شاخص دلار در حال حاضر در فاز انباشت قرار دارد، این مهم مواجهه معامله‌گری ما با شاخص را نیز دستخوش تغییر می‌کند، به گونه‌ای که پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران بلند مدت نیز در فاز انباشت خرید با استاپ دلاری کلی قرار بگیرند.

EURUSD روزانه



با تشکیل گام صعودی اخیر انتظارات ریزشی خود برای یورو دلار رو تعدیل کرده و ظهور سه موجی اصلاحی (A-B-C) را محتمل‌تر از تشکیل یک روند تماماً نزولی می‌دانیم، با این وجود تارگت‌های فروش این جفت ارز با دو خطر سبز رنگ در حوالی ۱.۱۱ ترسیم شده است.

در نظر بگیرید احتمال پایان C ابی رنگ پیش از رسیدن به کف A ابی نیز بالا می‌باشد.

WTI روزانه

تحلیل حال حاضر از نفت، صعودهای قدرتمندی در این نماد را پیش بینی می‌کند، بخش آخر نمودار به وضوح شتاب ریزش در سایر گام‌ها را ازدست داده است و به شکل الگوهای اصلاحی نزدیک می‌باشد، معامله‌گران پس از تشکیل یک کندل قدرتمند صعودی در تایم هفتگی می‌توانند خریدهای خود را آغاز نمایند.



WHEAT روزانه



الگوهای کامپلکس در گندم ادامه‌دار هستند، باتوجه به فرم این الگوها:

ABC-X-ABC

از زمان دقیق پایان فرم اصلاحی اطلاعات معتبری وجود ندارد، اما نکته حائز اهمیت، اصلاحی بودن این فرم بوده و قطعاً پس از این اتمام این الگو بازار روند حرکتی خود را نمایش می‌دهد، رویکرد معاملاتی ما در گندم استفاده از بای استاپ در نواحی بالای مقاومت پیوت پیوت می‌باشد.

Cocoa هفتگی

کاکائو در تایم فریم هفتگی به اهداف ذکر شده در دو ماه پیش رسید، معاملات فروش در این نواحی به هیچ عنوان توصیه نمی‌شوند، بلکه معامله‌گران می‌توانند با اختصاص یک سرمایه کوچک با استاپ دلاری به سرمایه‌گذاری بلند مدت بر کاکائو بپردازند.

AMD روزانه



طبق تحلیل نشر قبل AMD دقیقاً با یک جهش به قیمت‌های بالای ۲۰۰ دلار رسید، معامله‌گران در چنین موقعیتی باید از سرمایه‌گذاری‌های پیشین خود در این سهم خارج شوند و موقعیت بسیار مناسبی برای شناسایی سود می‌باشد. در نظر داشته باشید این سهام باتوجه به داده‌های موجود همچنان خریدنی می‌باشد، از اینرو پس از اصلاح قیمت، ورود در نقاط مناسب پیشنهاد می‌شود.



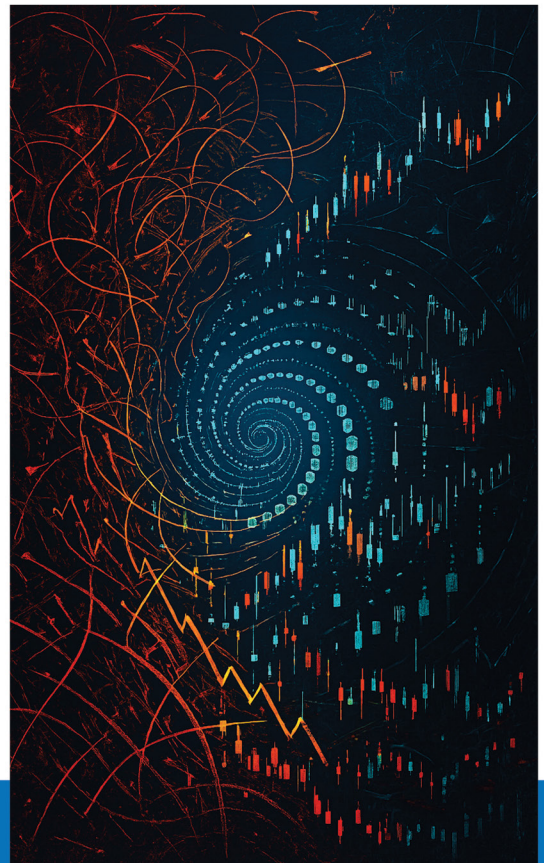
ارتباط با ما

 CYCFX.COM

 CYCLICALWAVES

 CWEDU

کشف نظم، میان آشوب‌ها...



جهت دریافت نسخه چاپی
درخواست خود را ثبت کنید.